



اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران درباره پایهای شایعات شبه انگیز

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

اخیرا پایهای شایعات که اذهان خواهران و برادران عزیز مسلمان را نسبت به مجاهدین خلق ایران متروک می نمود، شنیده میشد و شایعاتی که به دنبال ضربه خائنه فرصت طلبان چپ نما به سازمان در سال ۵۴ قوت گرفتند و ارگان عقیدتی اسلامی برادران ما را مخدوش جلوه میداد و نهایتاً آب به آسیاب دشمنان می ریخت که اصطلاح ضد اسلامی و ضد مردمی مارکسیسم اسلامی را ابداع و رایج کرده بودند. خوشبختانه پدر بزرگوار و روحانی ما حضرت آیت الله امام خمینی از مدتها قبل بطلان این اصطلاح آریامهری را برملا کرده و مشت محکمی در این رابطه بدهان شاه خائن کوبیده بودند. از سوی دیگر مجاهدین خلق ایران نیز به امتبار ۱۴ سال کار خونبار مکتبی خود نیازی به زوررویی مستقیم یا شایعات فوق الذکر که حاصلی جز تشدید اختلافات و ایجاد نفاق در درون صفوف بهم فشوده مردم، ندارد نمیدیدند. صوفی که اکنون نیز بیش از همیشه به وحدت و یگانگی نیازمند است.

بخصوص که ارگان عقیدتی اسلامی ما از پیش نیز در مدارک مستند آموزشی سازمان، به تفصیل تشریح و اثبات شده و سری جدید آموزشهای ایدئولوژیک نیز که تکمیل شده است بتدریج آماده انتشار میگردد. لکن در یکی دوماه اخیر شایعات زیانبار مزبور حتی بگوش امام نیز رسیده بود. تا اینکه ایشان امر و سفارش کرده بودند که جهت روشن شدن مطالب ارگان عقاید و جهان بینی خود را از طریق وسایل ارتباط جمعی به اطلاع همگان برسانیم.

گو اینکه تشریح جامع و منطقی عقاید و ارگان جهان بینی توحیدی مستلزم کتب و جزوات مشروحی است که تدریجاً در اختیار عموم قرار خواهد گرفت، لکن پیام امام ما را بر آن داشت که بزبانی ساده و همه کس فهم اصول شناخته شده دین اسلام و آئین انقلابی تشیع لاجرم لازمه انفکاک ناپذیر بنیادهای اعتقادی هر فرد یا گروه مسلمان و از جمله مجاهدین خلق ایران است، ضمن نامه کوتاهی بامضای یکی از برادران، با اختصار و با وضوح تمام جهت روشن شدن ذهن عامه مردم به عرض ایشان برسانیم. امید است که مدد گرفتن از کلماتی آشنا که در هر کتاب مقدماتی شرعیات نیز به چشم میخورند بتواند از انحراف افکار و مفسده جویی جلوگیری کرده و جریانها و افراد مشغول را به مانعیت از هر گونه جدائی و تفرقه در میان نیروهای مردمی برانگیزد.

همچنین اکنون که صحبت از شایعات کردیم بی مناسبت نیست اضافه کنیم:

از آنجا که عدهای شایع کرده بودند که فرمایشات دیروز امام نشانه تگدر خاطر ایشان از مجاهدین خلق ایران بوده است، عصر امروز با اعضاء خانواده امام تماس گرفته و حقیقت امر را جویا شدیم که پس از سوال از حضرت ایشان روشن گردید که منظور ایشان چنین نبوده و ایشان چنین نظری نداشته اند، همینطور راجع به جعلیاتی از قول ایشان مبنی بر "لورد مجاهدین و تعرض به آنها" که، عدهای در گوشه و کنار کشور مدعی آن بودند سوال کردیم، که فرموده بودند به هیچ وجه چنین چیزی نگفتند. ضمن جلب توجه عموم خواهران و برادران مسلمان به احتراز از شایعات معمول امیدواریم که با کوتاه شدن هر چه سریعتر دست استعمار از این مین، هیچ محلی برای نفاق و جدایی نیروها و صفوف مردمی بجا نماند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۳۱ فروردین ۵۸

اکنون متن نامه فوق الذکر از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران و به مثابه نقطه نظرهای جهان بینانه عموم اعضاء آن نسبت به شایعات مذکور درج میگردد.

آریامهری امتداد داشته است. چگونه میتوانیم قدمی جز به رضای خالق و خلق برداریم ؟
آری ما وظیفه داشتیم که در نخستین روز دستگیری برادرمان تمام حقایق را در این رابطه بمقام وکمال به پیشگاه خلق
مروض بداریم از جمله می باید عمق توطئای راکه با اشتراک بقایای ساواک و مامورین سیا و دارودستهای ارتجاعی در چیست
خداشه دار کردن مجاهدین خلق در جریان بود برای عموم مردم مبارزمان برملا کنیم . لکن این افشاگری بدو دلیل عمده
تاکنون بنموبق افتاد :

اولاً " بدلیل صوابدید بسیاری از مسئولین امور که نهایتاً چیزی جز دفع الوقت عایدمان نداشت .
ثانیاً " بدلیل غنثی نشدن و باصطلاح نسوختن اطلاعات مربوط به طرحها و برنامهها وشبکهها و عناصر ساواک وسپا که
در پی کشف آن بودیم .

اما از آنجا که پای دیگر ثابت شد ارتجاع و شرکای استعمارگش در پیشروی و گستاخی هیچ حد و مرزی نمیشناسند و حتی
چنانکه در این روزها دیدیم حاضرند مادران به تحصن نشسته شهدا و زندانیان ما را نیز درمید عدالت و دادگستری ایمن
کشور مورد تراجم قرار دهند . ضروری دانستیم که شمعی از مسئولیتی را که محصوراً سادتی در عین اجرای آن به دام
دشمن افتاد ، برای خلق شهرمانان بازگو کنیم .

از سال ۴۸ بعد که سازمان ما بدوران تدارک عمل پانچاده بود تامین سلاح و آموزش نظامی و کسب اطلاعات برای مواجهه
مرگ و زندگی با رژیم شاه واریابان امریکائی اش ، روابط خارجی هرچه منسجمتری را برای ماضوری مینمود . به همین منظور
تدریجاً در طول سالیهای گذشته با انقلابیون فلسطین ، طافار ، ترکیه ، الجزایر ، ویتنام ، مراکش ، صحرا ، امریکای لاتین
و اسرائیلهم تماس برقرار کردیم .

همچنین در همان ایام در صدد تماس با کشورهای ضدامپریالیست نظیر کوبا و چین نیز برآمدیم که البته با تقویت
پیوندهایمان با الفتح دیگر نیازی به آن نبود . بدیهی است تماس یک سازمان انقلابی مسلمان با هر نیرو و گروه چه در
داخل کشور خودی و چه در خارج آن تابع اصول متقنی است که همان پاسداری و حمایت از منافع ملی و مکتبی است . کما اینک
سازمانی نظیر الفتح نیز دارای ارتباطات بسیار وسیعی با نیروهای مختلف در سراسر جهان میباشد که جوهر همه آنها خدمت
به آرمان فلسطین است . حتی اگر گاه ایجاب کند که برای تشدید تضادهای درونی هیات حاکمه اسرائیل مخفیانه با برخی
از جذاحهای بالنسبه مترقی تر یهود نیز تماس گرفته شود .

عدم توجه به این ضرورت هاست که مرتجعان و نابکاران را مجاز میسازد ، نه تنها به سادتی ها بلکه به یاسر عرفات
نیز برجسب جاسوسی و مزدوری اجنبی بزنند .

ناگفته نگذاریم که بسیاری از رجال ملی و مذهبی کنونی مانیز این ضرورت تباراطی سالیان دراز به تجربه شخصی حتی با
امپریالیستهای امریکایی نیز در این کشور آزمودماند . حتی بدون اینکه بمقدار ناچیزی نیز از توان تشکیلاتی و گسترل
دستجمعی مجاهدین برخوردار باشند . همان توانائی هائی که اولاً " هرگونه رابطه با امپریالیستها را محکوم و مردود شناخته و
ثانیاً چهارهای نفوذ ناپذیری میان جاسوسی و یک رابطه انقلابی اصولی برقرار میکند و قطعاً " متضمن حفظ آرمانها ، اصول
و منافع ملی و مکتبی است . اینجاست که باید به داعیه جاسوسی سادتی و مجاهدین و بویژه از جانب آنهائی که دست در
دست ساواک و سپا دارند حقیرانه نگرست .

ایا در رابطه باکشور شوروی از آنجا که ما در ایران شاه سیاست این کشور را با رژیم ایران محکوم میشناختیم هیچ
ارتباطی برقرار نکردیم الا اینکه در سال ۱۹۷۲ در معیت و با سفارش برادر یاسر عرفات یکی از اعضاء مایه پایتخت آن کشور
رفت . هدف از این سفر آشنائی بیشتر با اوضاع و احوال و سیاست شوروی در قبال ایران بود . در سال ۵۳ نیز که امکان
ارتباط با شوروی در جهت سیاست ضد امپریالیستی امریکایی برای ما بدعوت یکی از احزاب لراهم گردید بازهم بدلیلی که
فوقاً گفته شد آن را رد کردیم . تا اینکه پس از انقلاب پیروزمند ضد دیکتاتوری اخیر که دیگر سازمان ما از یک محسبل
استقرار رسمی برخوردار بود در ضمن هیات نمایندگی های مختلف که از سازمانهای انقلابی کشورهای مختلف مانند الجزایر ،
مراکش ، فلسطین ، صحرا ، فیلیپین و ... بدفتر جنبش میآمدند یک خبرنگار شوروی و یک عضو انجمن فرهنگی ایران و شوروی
نیز بدفتر جنبش ملی مجاهدین مراجعه نمودند . مراجعات هیات نمایندگی های مختلف و منجمله اتباع شوروی اساساً برای
تبریک گفتن به انقلاب ایران و مصاحبه های مطبوعاتی و در همان حدی است که معمول ومتعارف روابط خارجی همه سازمانها و
احزاب مختلف است . بویژه که خبرنگار شوروی لیستی از مقامات و مراجع و رجال ایرانی که با آنها مصاحبه نیز انجام داده
بود در دست داشت .

در همین حال سازمان ما بدنبال حرکت ناو هواپیما بر کانسلشن به سمت آبهای ایران و همچنین بدنبال تحریکات و
کشتارهای ایادی ساواک وسپا که ردهای آنها در حوادث گنبد و خورستان نیز بروشنی آشکار بود تحقیقات مینمود . منجمله
گزارشهای دریافت کردیم که کاخ سفید واشنگتن در حال طرحریزیهایی برای دخالت در امور ایران از طریق سواستفاده از
تصنعات مذهبی مردم در جهت ایجاد تفرقه و تفاق است . خطرناکتر از همه طرح بالکانیزه کردن و تجزیه جنوب ایران است که



«شهادت مجاهدین خلق ایران به چریکهای فدائیان خلق»

بنیام خدا و بنیام خلق، قهرمان ایران

مردمی است که مجاهدین خلق ایران دورا دور و بدون کمترین دخالت نظاره گر حوادث تلخ و خونین گردستان و گمدمد میباشند ، حوادثی عمیقاً تا سفاک بار که هر آن احتمال تکرار آنها در خوزستان و بیلوچستان غیر می رود .

برای ما چنانکه بارها به دولت آقای بازرگان و عموم نیروهای خلقی هشدار داده بودیم از پیش روشن بود که اگر با لسم غدار حهامی برهبری امریکا و بنایای ریشه کن ناشده ضد انقلاب بهر ترتیب خواهد کوشید تا در پس ما ، با نحاء طرق و بویژه از طریق بجان هم انداختن نیروهای مختلف و ایجاد تفرقه در درون نیروهای خلق ، آب رفته را بشکلی دیگر بجوی بازگردانند ، باین ترتیب هنوز قیام مردمی روزها با سالها پس از ما گذشته آغاز نغده بود که ما اعلام نمودیم که در آینده " دشمن خارجی باعتبار عوامل درونی و از درون خواهد شد " .

و اکنون این پیش بینی دقیقاً بوقوع پیوسته و هر روز نیز با عباد اسفبار آن نیز گسترش می یابد . در این استعمارگر با تکیه پایگاههای واژگون نشده ضد انقلابی و ارتجاعی و با تکیه انبوهی از مزدوران سیا و ماواک دمعا گوش بزرگ نهشته و همانطور که از پیش نیز هشدار میدادیم یک آن نیز از طرح توطئه غافل نیست همان دشمنی که ایادی جنایتکار آن در این روزها در راس شبکه های سری سیا ، با هوشیاری تحسین انگیز نگهبان انقلاب هزار ، هزار کشف و شناخته شده اند . بخصوص که در آغاز ماجرای گنبد از اجتماع مخفیانه شا سابق با ۳۰ تن از ایادی جنایتکار دست نشانده اش در آمدن مطلع شدیم . اجتماعی که بی تردید در رابطه با آتشیهای داخلی ایران بویژه در منطقه گنبد بود ، از این پیشتر نیز شاهد اوج گرفتار تحرکات رساناری در گردستان عزیز و کشتار بیشمار از مردم بی پناه مان بودیم که خوشبختانه به سفر و ارشاد ستایش آمیز حضرت آیت الله طالقانی سریم فروکش نمود اگر چه هنوز نمیتوان تا عملی شدن نقطه سارهای ایشان مساله را خاتمه یافته تلقی نمود .

آنگاه بوبتیه گنبد و ستمکشان ترکمن رسید تا مضافاً بر تمام حقوق از دست رفته خود تحرکات استعماری مانکاء دیگری را نیز متحمل شوند . تحرکات خصومت ساز و قهر آمیزی در زمینه مسائل ملی و منطقه ای ویژه ایران که با به رنج کردن هر چه بیشتر مسائل راه را بر حل مسالمت آمیز و انقلا ب آسان سازی ناممکن تر میکنند ولابد فردا نوبت خوزستان و بیلوچستان و غیره است . برآستی دشمنان انقلاب ایران باین سادگی دست بردار نیستند یکی از بارزترین خصوصیات ونحوه های عمل امیر یا لیستها و مرتجعین ، در برداری هر چه سریعتر و کاملتر از نارسائیها و اشتباهات و بر حوردهای غیر اصولی حتی حاسدهای نیروهای مختلف و اختلافات آنها با یکدیگر است . تا تفرقه ناشی از آنها را بوسیله حاکمیت و حکومت دشمنان و البته در کسوت جدیدشان هموار کنند . برای مقابله با همین هدف استعمار و ارتجاعی بود که در روزهای نخست ماجرای گنبد حضرت آیت الله طالقانی ضمن بیانیه ای امر به ترک هر نوع مخاصمه ای در منطقه نموده و ریشه نا رضایتی های فرزندان ترکمنشان را یک مسئله ارضی حسو تقسم نا متناسب زمین تشخیص دادند . مساله ای که بخوبی میتواند زمینه تحرکات زیانبار ضد انقلاب را فراهم کند .

مجاهدین خلق ایران نیز بلافاصله به پیروی از ایشان موارد فوق را مورد تاکید قرار داده خواستار اجرای هر چه سریعتر مواد پیشنهادی آن حضرت گردیدند . لیکن متأسفانه ماجرا ادامه پیدا کرد و به خوسریزیهای اندوهباری از طرفین منجر گردید که شایسته صمیمانه ترین تسلیتها به عموم مردم ایران است .

از ربابی ریشه های این درگیری در زمینه سیاسی - اجتماعی موجود مستلزم تشریحات طولانی است که در کنهاتش این سطور خارج است . تشریحاتی که ما تاکنون بخاطر مسئولیتهای سیاسی خود در جهت تسهیل حل مساله و نیز بغرض ترسکودن اوضاع از اعلام علنی آنها خود داری کرده ایم ، لیکن از آن که بشتر میرسد مشکل گنبد اکنون در ابعاد دیگری اوج میگیرد و می رود تا نارسائیهای و عوارضیهای

نشانی از آن به سایر شهرها نیز سرایت کند.

مجاهدین خلق ایران به خاطر ممانعت از خون ریزیهای بیشتر و به خاطر جلوگیری از رشد نطفه های مخاصماتی که میتواند سریعاً به نوعی جنگ داخلی تبدیل شود ارزیابی و بینندهاات خود را مختصراً به اطلاع عموم میرسانند:

۱- آنچه به چریکهای فدائی خلق مربوط میشود درگیری و نحوه دخالت نا بجای آنان در منطقه است که بی تردید به دلیل عواقب سیاسی سوء آن حاکی از اشتباهات جدی در نحوه برخورد و ارزیابی موقعیت سیاسی - اجتماعی موجود و خلاصه بی توجهی به اتمام از پیش پهن شده امپریالیستها و مرتجعین محلی است. دلمی که گرفتار شدن در آن لحظه نمیتواند بحال انقلاب سود مند باشد.

۲- وجود برخی ندانم کاریها و سرخوردنهای مسئله ساز در کار کمیته ها که باستی هرچه سریعتر مرتفع گردد، حتماً که گفتیم تشریح جزئیات این موضوع در گنجایش این سلور نیست و باستی بطور جداگانه مورد مداخله و تحقیق کمیته مرکزی قرار گیرد.

۳- برای خاتمه دادن به بحران موجود و خاطر مطالبی که فوقاً ذکر شد از چریکهای فدائی میخواهیم که برای اثبات نیت خود و تائید عملی مجدد بیانییه هائشی که تاکنون مبنی بر تکذیب دخالت خود در درگیری و نقض آتش س مادر نموده اند موقتاً هم که شده تمام فعالیتهای سازمان و اعضای آن را در گنبد متوقف کرده و بیاً ارائه نوعی تضمین قابل قبول و قابل فهم برای عموم مانع هر فعالیتی بنام فدائشی گردند. این مطلب میتواند به مناطق دیگری که در آنجا نیز بیم سوء استفاده امپریالیستها و یادی اربطاع و ضد انقلاب میرود، تعمیم یابد.

بدیسی است اقناع عناصر وابسته و موافق سازمان چریکهای فدائی به این مطلب کار بسیار مشکلی است. لیکن مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق باستی بتواند به تفهیم خطیر بودن وضعیت، آنها را به این مهم مانع کند. بخصوص که سازمان بعداً می تواند بلافاصله مشکلات و خواستههای دیکراتیک خود را به ترتیب مقتضی با نمایندگان حضرت آیت الله خمینی و حضرت آیت الله العقانی و دولت مهندس بازرگان گذاشته و تحت توجیهات ایشان از تأمینها و تضمینات سیاسی لازم در جهت استفاده از حق حیسات سیاسی خود برخوردار گردد، حتی که بشظر میرسد چریکهای فدائی قویاً نگران آن هستند لیکن به اعتقاد ما (مجاهدین) اساساً نیازی نبود که در ارتقاء با این نگرانی بر مسائل حساس نظیر گنبد که آن هم به ترتیب قابل انتقاد فوق الذکر انگشت گذاشته شود، مخواما که حق فعالیت سیاسی آزاد برای تمامی گروهها و نیروها، بارها از جانب شخص امام و آقای مهندس بازرگان مورد تأیید و موافقت قرار گرفته و در پیش نویس قانون اساسی حدک نیز علی القاعده باید منظور شده باشد.

۴- در خاتمه از عموم نیروهای مردمی مسئول و بویژه از خواهران و برادران مسلمانی خود که اکثریت قاطع و خلل نا پذیر این میهن را تشکیل میدهند انتظار داریم که بیاً نحوه به تعهدات اسلامی خود از هرگونه بحرانی تر کردن اوضاع و نشان دادن واکنشهایی که خدای ناکرده به عدم تحمل رتنگ نظری ما مسلمانان نسبت به اقلیتها و سایر نیروها تعبیر شود، پرهیزند.

" به امید عظیم ماندن تمام توالقه های امپریالیستی و ارتجاعی "

مجاهدین خلق ایران

۵۸/۱/۱۹



حضور پدر بزرگوارمان رهبری انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

پس از عرض سلام ، کمترین فرزندان مجاهد آن حضرت ، حسب الامر آن پدر گرامی از ارکان اعتقادی اینجانبان سوال فرموده‌اید معروض میدارند که :

ارکان اعتقادی مجاهدین همان ارکان عقیدتی دین مبین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی عشری است . همان تشیع علوی و همان ارکان عقیدتی قرآنی یعنی کتابی که از ابتدا تا انتها بدون کمترین خدشه ای تا ابد راهنمای بشریت و مورد اعتقاد مسلمانان بوده و خواهد بود .

با این همه حسب فرامین شفاهی پدر گرامیمان که در این مورد سوال کرده بودید مختصرا ارکان عقیدتی خود را که دقیقا بر خلاف و در مقابل نظرگاههای مادی است بشرح زیر اعلام میداریم :

۱- توحید : جهان را خالق است یکتا ، احد ، لم یلد و لم یولد که مشیت جمله کائنات در ید قدرت اوست . ذاتی یگانه و بی همتا که کل شیء هالک الا وجهه و تشهد ان لا اله الا الله کلیه صفات ثبوتیه و سلبیه ذات باری چنانکه در عموم کتب شرعیات آمده است نیز بی گمان لازمه هر عقیده اسلامی است که فرزندان شما نیز از آغاز بدان معتقد بوده و هستند .

۲- عدل : خدای یکتا عادل است . عدل مطلق . و نمیشود که حتی بقدر " پوسته خرمایی " ستم روا دارد .

۳- نبوت : از طریق وحی ، انبیاء مرسل که اول آنها حضرت آدم و خاتم آنها حضرت محمد (ص) هستند جهت بشارت و انذار بندگان به پیام‌آوری فرستاده شده‌اند و تشهد ان محمدا رسول الله .

۴- امامت : پس از ختم نبوت ، از ذریه رسول اکرم و علی علیه السلام جهت ادامه هدایت بنسبی بشر دوازده تن ائمه که آخرین آنها زنده و غایب است به منصب امامت رسیده و اسلام ما را با وجواعتلا رسانده‌اند .

۵- معاد : بنی بشر را حیاتی است پس از مرگ که در آن به کیفر و پاداش اعمالی که در این جهان از آنها سر زده خواهد رسید .

خصوصیات جهان اخروی همانست که در کتاب خدا (قرآن) خطبه خط و نکته به نکته آمده است .

مسئود رجسوی

۳۰ فروردین ۵۸

ضمنا بدین وسیله تقاضا میشود که مشروح سخنان یکی از برادران مجاهد را که همین امروز ۵۸/۰۱/۳۰ حول مطالب و نقطه نظرهای بالا در بهشت زهرا ابراد شده است ، از طریق رادیو و تلویزیون به اطلاع عموم رسانده شود .

پاریس - محضر مبارک مجاهد اعظم حضرت آیت الله العظمی خمینی

جانش عظیم و شکوهمند خلق متمکبده ایران که از فیض زعامت آن حضرت برخوردار است
مسیر پیشرفت و شکوفائی دم افزون خود، بدستاوردها و پیروزیهای قابل توجهی رسیده است.
آزاد شدن نرزدان مجاهد شما از زندانهای رژیم جبار و ستمگر ایران یکی از کوچکترین
این پیروزیهاست بنا براین ما آزادی خود را مدیون مجاهدتها و جانفشانیهای خلق رزمند
و متمکبده ایران در پرتو الهامات آن زعم استوار و سازش ناپذیر هستیم. از اینرو نرزد
مجاهد شما در آزادی از زندان جسارت کرده و این اجازه را بخود داده که ضمن عرض
و درود بحضور آن پدر مجاهد اعظم، مراتب نادگی خود را کماکان برای جانیاری در راه آن
توحیدی مکتب انقلابی اسلام که ایدئولوژی مجاهدین خلق ایران است به پیشگاه معظم تقدیم
اکنون که مردم قهرمان ما با مجاهدات نراوان توانسته اند تحت ارشادات آن حضرت کاج عنک
و ست سیاد دیکنا توری را واژگون کرده و در طلیمه صبح پر شکوه آزادی قرار گیرند آرزو
که این خلق رنجده بتواند در مسیر انقلاب رهاائی بخش خود که رنگشای نظام اجتماعی توحید
عاری از ستم و استعمار است و تمام توطئه های امپریالیستی که برای متوقف کردن پیشرفت
و باز ستاندن پیروزیهای خلق طرح ریزی می شود غلبه کند و وعده الهی باز هم تحقق یابد
«استکبارا فی الارض و بکرا الیستی ولا یحیی الکرا الیستی لا یأله فیهل یتظرون لا یله
الاولین قلین تجد لمنته الله تبدیلا» و این تجد بستم الله تحویلا (فالر ۴۳)»
همچنین امیدواریم که خلق و انقلاب ایران و طبقات رنجور و محروم جامعه که خداوند در قر
بنام مستضعفین به آنها وعده پیروزی نهائی داده است همیشه این سعادت را داشته باشند
که آن وجود کرامی پیوسته در پیشاپیش آنها بوده و از الهامات و ارشاداتشان برخوردار
چرا که سیره همه انبیاء و اولیاء مکتب یکتا پرستی، بت شکنی و مبارزه با جمیع موانع
فسط شیوء قدیم آن حضرت بوده است

سلام علیکم بما صیرتم فتنم عظمی السسدار

از طرف مجاهدین رها شده از بند

مسعود رجوی - موسی خیابانی

فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراء عظیم

پیام مجاهدین آزاد شده از زندان بحضرت آیت الله العظمی: الثاني وسایر آیات عظام متحصن در دانشگاه

بنام خدا ونام خلی قهرمان ایران

پدر بزرگوار حضرت میامد اعظم آیت الله: الثاني

تحصن حضرت عالی وسایر آیات عظام روحانیون ارجمند در دانشگاه بخاطر اعتراض به مانعیت از ورود اند عظیم الشان و وزیر عالیقدر جنین ما حضرت آیه الله العظمی "خمینی" بار دیگر ثابت گردید مردم ما و سوره روحانیت میامد و حق الب که از نبیوات برعانی: و حضرت آیه الله العظمی خمینی و شخص آحاد بر سره مند است، قائمانه تصمیم دارد که بر تمام توطئه ها ارتجاعی و امپریالیستی ضد خلقی فائز گردد. از این روز زندان مجاهد شما که به تازگی در خاتمه یک مرحله خونین مبارزات مردمی از بندرها شده اند اکنون سر نرازند که تحسین و تعظیم خود را از تحصن دلیرانه بشخص شما و کلیه آیات متحصن دیگر به عرض برسانند.

حضرت آیه الله العظمی فرزندان مجاهد شما که نخستین بار در مکتب تعلیماتی شما پرتو قرآن بر روح و شیشان تابیده است فرصت را مقتنم شمرده و در رابطه با حسین تحصن که یکی دیگر از نرازهای مبارزاتی آن حضرت است از جانب نسل جوان مسلمان که پیوسته تشنه اسلامی پاک و اصیل و مردمی بوده است باور ایم و از جانب مجاهدین خلی ایران باور اخس (جه شهید و چه از بند رسته) مراتب سپاس و شکرگذاری خود را از ۴۰ سال مبارزه بی گیر و راه گشای آن حضرت در راه اسلام و خلق مستضعف بحضورتان تقدیم میکند.

سازم علیکم بما صبرتم فتمم عقبی الدار

با تقدیم مجدد مراتب احترام انقلابی نسبت به ثلثه آیات عظام بحجج متحصن از طرف —

مجاهدین آزاد شده از زندان سمرقند رجسوز — عوسی خیابانی

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت پیروزی خلق ایران

بِسْمِ اللَّهِ الْقَاهِرِ الْخَفَّارِ

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان دلیبر و مجاهد ،

تصرف آخرین سنگر های دیکتاتوری خیانتکار را که به پایمردی و جانفشانیهای خونبار مسرد م
محرومان تحت ارشاد مجاهد اعظم حضرت آیت الله خمینی تحقق می پذیرد به شما تهنیت گفته
و در این لحظات تاریخی ، صبر و مقاومت انقلابی بیش از پیش صفوف متحد خلق را در جهت
محو کامل سلطه امپریالیسم در میهن گلگونمان آرزو مندیم .

آنچه در این لحظات تاریخی بایستی رهنمون تمام صفوف این خلق قهرمان باشد ، وحدت
و استقامت است ، در این صورت بی تردید بر تمام توطئه های ضد خلقی ، بر تمام آنها ، پیروز
خواهیم شد .

" ان الله مع الصابرين " ۱

سازمان مجاهدین خلق ایران

مسعود رجوی

۲۲ بهمن ۱۳۵۷

تهران - سفارت آمریکا - کتبه دانشجویان مسلمان مستقر در سفارت

بسم خدا

ایران زمینده ، صحت کامل خود را از آدمی الهامی شما در مشاغل این لایه جابرسی و اعلام در جهت
بازداشت کارداران اعلام نموده ، فعلا لایه در افت و اسیرانیم جانبی که برگردگی اسیرانیم که امریکا این روش اصلی خنثی
جانب شرکت کرده و می کشم .

مرفقیته شما را رسیدن به اهداف نهایی زیر خواهیم .

۱- لغو طبقه و کار راد های ایران در امریکا و شبکه های جابرسی آنها .

۲- معادله سرمایه های امپریالیست و قطع کامل روابط ایران در امریکا تا تکمیل شاه خائن به

انجمن دانشجویان مسلمان - پاریس - صبه ۱۸، ۱۸، ۵۸

تهران - خبرگزاری فارس

بسم خدا

مکالم با مجاهدین خلق در انجمن مسلمان پیر خط امام تا روز جمعه روز سیاسی گرفته ، انتظار

داریم تا پایان این روز خواسته های بحق مردم ایران را بر قطع روابط ایران در امریکا از طرف شورای

انتخاب اعلام گردد .

مؤنسانان مجاهدین خلق ایران در فرانسه

دو شنبه ۲۱، ۱۸، ۵۸

خانم رجوی مادر مسعود رجوی در يك مصاحبه تلویزیونی پدیده از رویکرد آزیمهای سازمان مجاهدین خلق بر داشت و در زمینه برکات و مبارزات امام امت و قدرشناسی پسرش چگونگی زندانی شدنش در خانه نیم مجاهدین رفتار برادران آن پاسدار با وی و دیگر مسائل توضیحانی داد. در این صحبت‌های مسعود رجوی در پاریس که ادعا کرده بود پاسداران پدر و مادر او را در مشهد دستگیر کرده و آنها را شکنجه کرده‌اند خبرنگار سیمای جمهوری اسلامی ایران با مادر رجوی در مورد چگونگی این موضوع و رد ادعاهای مسعود رجوی مصاحبه‌ای انجام داد و طی آن افشا شد که اعضای سازمان مجاهدین پدر و مادر پسر مسعود رجوی را به اجبار در یکی از خانه‌های تیمی در مشهد برده و زندانی کرده بودند که این خانه کشف و با دستگیر کردن عده‌ای از افراد این خانه آنان نیز در زیرزمین خانه تیمی پیدا شدند. لازم به تذکر است که در خانه مذکور تعداد قابل توجهی مدارك و اسناد سازمانی و سلاح و مهمات وجود داشت که پدر و مادر مسعود رجوی کوچکترین اطلاعی از سلاح‌ها و آنچه در آنجا بوده نداشتند من مصاحبه بدین شرح است: س: با اجازه خانم رجوی سؤالاتی از ایشان میکنم و همانطور که خودشان گفته‌اند صحبت‌هایشان بیایم است به مسعود، یا توجه به صحبت‌هاییکه مسعود کرده است نظر خودتان را در مورد برخورد برادران پاسدار در ایندت و چگونگی رفتار آنها بفرمایید؟ مادر رجوی: بسم‌الله. . . الرحمن الرحیم. بنام خدا. سلام بر آقای خمنی سلام بر ملت قهرمان ایران درود بر جنگندگان جبهه‌های جنگ که انشاءالله. . . به سلامت برگردند. ما الان سه ماه و ۸ روز است اینجا هستیم. از چشمان گله داریم از این برادران پاسدار گله نداریم. خواهش می‌کنم مثل فرزندان خودمان یا ما رفتار کردند مثل بچه‌های خودمان و شوهرم طرفداری کردند مریض شدیم برایمان دکنر آوردند. دوا آوردند. شکنجه، اصلاً آن مربوط به زمان طاغوت بود. این جوانها طرفداران سازمان سپه‌پوه دنبال اینها راه افتاده‌اند. بیایند و دست به دامن امام شوند شوه کنند. مسعود را هم خدا خودش را عثمایی کند اگر اولاد من است بیاید به دست و پای آقا (امام خمینی) بیفتد اول خدا، دوم ائمه، بعد آقا. جد آقا او را به ما داد. اگر اعدای بود حبس‌اید بود (در زمان رژیم شاه مسدوم) مفرزش را در همان موقع هرکار بود کردند. از شما جوانان میخواهم بیایید در راه خدا در راه دین. . . این دنیا چهار روز است. من در رابطه با صحبتی که خودتان فرمودید که مسعود قدرشناسی نکرد و این امام ما بود که مسعود و مسعودها را از زندان آزاد کردند یا توجه به این مسئله اگر بیایم برای او دارید بفرمایید که انشاءالله. . . اگر تیرگیها دلش را پر نکرده باشد چراغ هدایی برایش باشد. مادر رجوی: به مسعود پیغام دارم که اوننیمند ما که میفهمیم از برگرد جد آقا بود که او از زندان و حبس‌اید رهایی یافت. نباید اینکارها را بکند ما پدر و مادرش رضایت نداریم. باید سرود دست بدایمان امام کند. ما اول خدا دوم ائمه سوم این آقا را داریم. که شب و روز دعا بمان این بود که آقا برسند. حالا رسیدند الحمدلله. . . زندگی همه خوب. با وجود این جنگ همه چیز مردم مرتب و منظم. دیگر مرگ من و احمیم از خدا؟ من در مورد خانه تیمی که توضیح داده شد که شما از آنچه در آن خانه میگذشت اطلاعی نداشتید یکمقدار راجع به سو: برخورد و رفتاری که با شما شده توضیحانی بفرمایید. مادر رجوی: اینها دوسه دفعه بعنوان ناشناس تلفن کردند بعد دوسه دفعه آمدند دنبال ما برویم. آقا گفت نمایم. آقا بمن گفته توبیا، رفتم. عباس بود و يك پسر دیگر. بهانه‌های آورد که من میخواهم بروم نهران و خانم نهیاست. بعد گفتم که خوب خواهر دارد، مادر دارد آقا مریض است. ماه رمضان است. دوره قرآن داریم. کار داریم. خلاصه بهر ترتیب بود ما راضا کردند آنجا ماندیم. پدرش میخواهد در حیاط و من در زیرزمین. زهرابیح سرفت ساعت ۲ می‌آمد. تا هار میخورد میرفت تا ساعت ۷ شب. هرچه میگفتم کجا میروم میگفت من مادر مریض است. میروم از او خبر بگیرم. آنجا ما زندان بود. در واقع اینجا زندان نبودیم. در خانه بزرگ آزاد، خوب، همه چیز راحت! از خانه خودمان بهتر برسانمان دگترمان و همه چیز برای ما مهیا بود. س: در مورد اینکه صحبتی کردند و مسعود پسران هم در پاریس صحبت کرده بود که پاسدارها پدر و مادر را دستگیر کرده‌اند صحبت شما خیلی مهم است که این واقعیت را بازگو کنید که آیا پاسداران در این مدت که شما در خانه خودتان بودید بطور کلی به خانه شما آمدند؟ مادر رجوی: نه، نه به خانه ما اصلاً خدا خودش میداند. اصلاً بخانه ما هیچ احدی نیامده ما در آنجا که بودیم. اول که آمدند آنها را گرفتند بعد گفته بودند اینجا کی هستند؟ او گفته بود آمده‌اند، گفته‌اند شما مادر و پدر رجوی هستید؟ خوب تشریف بیاورید اینکه آنها هم به يك زبان خوب و خوشی که انگار ما را به مهمانی دعوت کرده‌اند. خیلی خوب ما را تحویل گرفتند. س: با توجه به برخوردهایی که شما با تعدادی از جوانان فریب خورده سازمان داشتید این دخترهای جوان را دیده‌اید و دیده‌اید که این برادران پاسدار چطور برای اینها دل میسوزانند و همان برادر يك روز محافظت اینها را بسپرده دارد، شب چه گریه‌ها بدرگاه خدا میکند و چه عذر و تقصیرهایی دارد بهر صورت خواهش ما از شما اینست که شما برای این جوانها که هرکدامشان باید امیدی باشند و امیدي هستند برای ما و این

می دارند برای اینها بفرمایید شاید اینها واقعا هند باشند. ماد رجوی به این هوا ازان میگوید نمیکنند و بدستهای
آقای میقتند نباید رد نمیخورند اگر آخر میخواستند بپیرا رشتند بیایند هفتده آقا قسم بخورند دنیا این چهار روز است و آخرت است
باقی میماند این برادران باید آرا نقد ربه ما محبت و نیکی کردند که در واقعا خجالت میکشید روی هرگز ادنگاه کنم. سن در مورد تو بر
خورد ها بی که در آن خانه شما میشد توضیحاتی داد بود بد که با رها میخواستید ازان خانه بروید و اینها بعنا وین مختلفه مانع
میکردند و اجازه خروج از آن خانه را به شما نمیدادند در مرحله آخر شما مثل اینکه میخواستید پیش نمایند ما ما حضرت حجت الاسلام
والمسلمین عباس و اعظمی بی بروید میخواستید اینها را خودتان توضیح بفرمایید تا مشخص شود که واقعا چه کسانی شما را در زندان
نگه داشته بودند؟ ماد رجوی: ما وقتی که آنجا بودیم هر روز میخواستیم برویم خانه مان میگفتند نه شما به خانه مان میروید شما را میگیر
شکنجه میکنند میقتیم خوبیا شد هر چه شد میخواستیم حیدر خان نه مان با شیم صبح اسبابا جمع میکردیم میگفتند ظهر، ظهر میگفتند شد
و خلاصه نگذاشتند تا بد رمسعود یکروز زمین گفتم میرویم خود مان را به آقای طبیبی تمیایند ما ما معمری میکنیم ما با هم صحبت نکردیم یک
آمد و گفت (یکی از منافقین) نه اگر اینجا را بکنید برای شما بد میشود که اگر آنرا را بکنید شما را از اینهمه ترسید. بعد ما هم رفتیم پیش
نمایند ما ما هم صحبت نکردیم خیلی هم آقای ما را تحویل گرفتند و آنقدر رفتن را خوبی داشتند که ما واقعا خجالت کشیدیم. سن: زیادتوجه
به اینکه شما آقای رجوی نسبی از شما گدشته بود چارنا را حتی های مثل فشار خون هم از قبل بودید آیا در مورد کارهای خانه آنها آنها
کمکی میکردند یا نه؟ ماد رجوی: از روزیکه ما به آنجا نرفتیم آنها صبح ساعت ۷ میرفتند بعد از ظهر میآمدند تا ساعت ۷ شب میماندند
عن خیلی غذا میخواستیم هم مثل یک گفتم بود مونی بعد در خانه نمایند ازان مثل یک خا نترند گی میکردیم خوردیم میخواستیم برویم و نماز یکناپ
و دعا و زیکای آقای میقتند سن در سر قرآن میداد ما در آنجا (خانه نبی) زندان بودیم اینجا زندان نبودیم رانچا (خانه نیران) را نپاسد
هر چه میخواستیم برای ما فراهم بود هر چه غذا ای که میخواستیم برای ما میوردند. سن: آیا شما همان غذا ای را میخوردید که پاسد ازان
میخوردند؟ یا غذا غذا ای که بخاطر پیری برای شما میآوردند؟ ماد رجوی: همینطور بود ازان میوه ها و دیگر خوردنیها خوب
برای ما میآوردند و کونا هم نمیکردند. سن گویا از رفتن آمد های شما مثلاً به حرم مطهر و غیره جلوگیریهای میشد و نیز از اینکه شما آن رس
خانه را بد اندید ما تعجب میشدیم منظور خانه نبی است. ماد رجوی: ما هر چه میخواستیم آن رس را بد بگیریم نگذاشتند بعد کتر و جا ها
ی دیگر میخواستیم برویم چند با خودشان همراه میآمدند و باز ما را بر گردندند میگفتند شما حق نداری از خانه بیرون بیایید ما در
واقع آنجا زندانی بودیم. سن شما صحبتی میکردید که یکبار میخواستید بروید حرم و مسایلی پیرا من آن بود. ماد رجوی: ما چند روز
بود میخواستیم برویم حرم و همینطور سر خاک بپردازیم که تازه فوت شده بودند گفتند سر خاک بپرداز که نمیشود ولی حرم را همراهان آمدند و رفتیم
فوق بعد از آنجا میخواستیم به خانه خود هر که مریض بود برویم همراه آمدند گفتیم بگویم شما که هستید گفتند بگویند بگویند. خواهرم گفت
آن رس بد میاید بد ننگ میخواستیم هر جا آن منکه آن رس نمیدان که جا است. هر چه به آنها گفتیم آخر من کتر میروم بنظر رها بنظر نمیخواهم
برویم خجالت می کشیم شما همراه من بیایید گفتند شما چکار دارید به آن رس؟ سن: گویا وقتی میخواستید به حرم بروید چند بار ما شین را عوض
میکردند و رانچور توضیح میداد که قد ری در جریان قرار بگیریم. ماد رجوی: بیل میخواستیم به حرم برویم چها را را لشکر پیدا شدند
گفتیم چرا یکسره نرفتید مگر شما چکار میکنید؟ گفتند نمیشود برای شما توضیح داد و تا روزی هم که از آن خانه بیرون آمدیم چه ما آن رس بد اند
نشدن آقا (بد رجوی) سواد داشتند را از او جدا میکردند در مورد انتخاب آقا میخواستید آقا رجایی را بیایدند آنجا هم
نمیگذاشتند تا اینکه بالا خرد آقا رفتن را بداد و آمد که آنجا هم ما میپشتند. سن: گویا وقتی آقای رجوی رفتند و رای داد و بدادند
و برگشته بودند در خانه یکسری صحبتها می شد بود. ماد رجوی: از صبح که ما را اسر و اندند و نگذاشتند برای رای برویم تا عاقبت تا
ساعت ۷ بعد از ظهر که من از نا را حتی قلبی گرفت و آقا رفتن را بداد و آمد بعد که آمد آنها به ما گفتند شما حزب اللهی هستید بعد ما
گفتم آخر بگذارد ما برویم هر چه میگویند هستیم اسبابها بمان همینطور بسته بود ولی نمیگذاشتند برویم وقتی هم که برادران (پاسد ا
ران) آمدند بدیدند که اسبابها ما بسته است و همه نشی میخواستیم برویم خلاصه با بد بگویم ما از پاسد ا رها هیچ گله ای نداریم حتی
باید بگویم تا عمر اریباید تا عایشان کنیم و حالا همه این ما در رها بود رها میگویم که خترها و سرها ایشان را نصیحت کنند که امروز راه
راه ما مستراه، راه خدا مستراه را بهیضه است. سن: شما در صحبتها بی که کردید گفتید که این وا خوردنها بیشتر مسعود را ندید
و گویا آخرین بار میخواستید بیایید برای ما میفرستند. ماد رجوی: در زندان بود که ما به ملاقاتش رفتیم یک نهای مثل سیگار پیچید آن
موقع آقا (ما هم مینشاند) در نجف بودند این نامه را به جیبش رشتند اختالته خیلی د وند گویا کردیم که آقا در نجف نبودند تا ما را خد متد
ببریم رژیم طاغوتی نگذاشت. بعد که آقا بیای رس رفتند و آن موقع را فرستادیم و بعد که خوش آمد گفتند حالا من میگویم آن نامه را به
آن بد بختی به ما داد بعد چطو و شد که را هشی موضوع شد ما در روز ریا رس بودیم روز حرکت آقا ما آنجا بودیم. سن: گویا آخرین بار مسعود
را در رستگاه مجاهدین بن خلق بدید (در میدان ولی عصر تهران) در مورد آن برخورد کمی توضیح بدید؟ ماد رجوی: آنروز ما رفتیم و
گفتیم آمدیم مسعود را ببینیم گفتند اینجا نیست گفتیم چه ما در روغ گویند ما بیط گزشتیم فردا میخواستیم برویم به ما گفتند حالا می آید آمد
روزی و می خواهم بروم بی بروند ما آوردند و کارهای که پیش آمد همین بود بد ا رما و ما دیگر و رانید بدیکه نصیحت کنیم لا لنتش
کنیم. سن: صحبتها طولانی است و خاضه شما هم زیاد ولی بعنوان حسن ختام خواهم شد ا رما و ما به ما درانی که فرزند انشان پاسد ا را
می را که در چند جبهه اند عیار می کنند به خاک و خون میکشند پاسد ا را که از همه چیزشان در راه انقلاب اسلام گذر شده اند در
مورد این اوضاع مقدار بسیار کم است. ماد رجوی: صحبت کنید. ماد رجوی: صحبت کنید. ماد رجوی: صحبت کنید.

هاتین پاسد ازان دارند برای اسلام و اینهمه فدای میکنند و اینها (مجاهدین) این کارها را میکنند، خوب فردا اینها
جواب این خونها را بدهند هم پدر و مادرها و هم فرزندان را بر این خونها مسخ کنند. پدر و مادرها و
تند و باید جلوی آنها را بگیرند آنها را نصیحت کنند. و السلام

مکملی مستقیم و غیر مستقیم به اراد و مستقیم قیفت ... خرید و رسانی قیفت ... و نه به اراد و اقام و غیره
 در این ... که فروزان کوی در آن راه ... این راه میگویند و نه با کوی و نه با کوی دیگر
 به طوری که در راهی به نام (استرلیون) که در آن راه که فروزان است در حجاب و نه با کوی دیگر
 سال نه شده لغیر و سرک مستقیم به اراد ... ۷۲۵ و از آن زمان ... و بی آن ۱۰۰۰ نفر
 در این راه که به اراد ... ۱۸۰ و از آن زمان ... ۲۵ نفر که هر یک ... سال گذشته

به اراد است.

در این ... در این راه که به اراد ... (۱۲۹۳) ... و از آن زمان ...
 ... در این راه که به اراد ... و از آن زمان ...
 ۲۰۹ ... در این راه که به اراد ... و از آن زمان ...
 ۱۰۰۰ ... در این راه که به اراد ... و از آن زمان ...
 ۱۰۰۰ ... در این راه که به اراد ... و از آن زمان ...

$$۱۲۰۰ + ۱۲۰۰ + ۱۰۰۰ + ۵۰۰ + ۱۰۰۰ = ۵۱۰۰$$

که این ... ۱۱۰۰ ... و از آن زمان ...
 که این ... ۱۱۰۰ ... و از آن زمان ...
 که این ... ۱۱۰۰ ... و از آن زمان ...
 که این ... ۱۱۰۰ ... و از آن زمان ...

که این ... ۱۱۰۰ ... و از آن زمان ...

کمال در هیچ مرتبه نباشد که در این راه ... و اینها ... در این راه ...

مقدمه : ... و اینها ... در این راه ...

در خاتمه یادآور شدیم که این کتاب ... در این راه ...

مشارکت در این کتاب ... در این راه ...

با این ... در این راه ...

با این ... در این راه ...

در این ... در این راه ...

... در این راه ...

کریم

۱۳۵۲

در این ... در این راه ...